

به گزارش روابط عمومی دفتر امام جمعه لاریجان : 20 مرداد ماه  
سال 1402

برگزاری خطبه نماز جمعه در شهر رینه..

### خطبه اول:

بسم الله الرحمن الرحيم. الحمد لله رب العالمين أحمدوه و أشكروه و  
أستعينه و أستغفره و أتوكل عليه و أصلي و أسلم على حبيبه و نجيبه  
و خيرته في خلقه حافظ سرّه و مبلّغ رسالاته بشير رحمة و نذير  
نقمته سيّدنا و نبينا و حبيب قلوبنا أبا القاسم المصطفى محمّد و على  
آله الأطيبين الأطهرين و صحبه المنتجبين و من تبعهم باحسان الى  
يوم الدين.

قَالَ اللَّهُ الْعَظِيمُ فِي الْقُرْآنِ الْكَرِيمِ :

« يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ

تُفْلِحُونَ. » آل عمران/200

ترجمه:

" ای اهل ایمان ( در کار دین ) صبور باشید و یکدیگر را به صبر و

مقاومت سفارش کنید و مهیا و مراقب کار دشمن بوده و خدا ترس

باشید، باشد که فیروز و رستگار گردید."

" أَوْصِيَكُمْ عِبَادَ اللَّهِ وَنَفْسِي بِتَقْوَى اللَّهِ؛ فَإِنَّهَا خَيْرٌ مَا تَوَاصَى الْعِبَادُ بِهِ وَ

خَيْرٌ عَوَاقِبِ الْأُمُورِ عِنْدَ اللَّهِ " خودم و همه بندگان خدا را به رعایت

تقوای الهی و نظم در امور سفارش می کنم که سفارشی والاتر از این

مهم در عالم هستی وجود ندارد. اولین چیزهایی که حضرت علی (ع) به مالک اشتر بعنوان فرماندار مصر آموخت فنون کشور داری و برخورد با مردم نبود بلکه «أَمْرُهُ بِتَقْوَى اللَّهِ» دستور میدهم که تقوا داشته باشی مراد از تقوای الهی این است انسان هر فعلی که میخواهد انجام بدهد هر تَرکی که میخواهد بکند باید بداند که خدا مراقب است. پس بندگان خدا اِتَقُوا اللَّه! از آنجایی که در آستانه 25 محرم شب شهادت حضرت امام سجاد (ع) و ایام اِسارت ایشان در شام را داریم ضمن تسلیت شهادت مظلومانه آن امام مظلوم محور خطبه اولم را درباره عملکرد وجود مقدس امام سجاد و اثر آن در جامعه اسلامی اختصاص میدهم. امام سجاد(ع) یک شخصیت استثنایی در تاریخ

ماست. إمام راحل (ره) جمله ای در وصیتنامه إلهی - سیاسی  
خودشان دارند و آن این است: اگر خداوند متعال در مورد إمام سجاد  
(ع) ما را مورد بازخواست قرار بدهد و بفرماید من زین العابدین را  
بشما دادم چقدر از مکتب او استفاده کردید چاره ای جز اینکه سر  
خجالت به زیر بندازیم نداریم! تاریخ مقطع زندگی آن بزرگوار یک  
تاریخ ویژه است. رهبر معظم انقلاب در مورد این نکته میفرماید: آن  
مقطع خاص زندگی إمام سجاد (ع) در عین اینکه تاریکترین و سیاه  
ترین بخش تاریخ اسلام می باشد اما زیباترین بخش اسلام نیز هست!  
سیاه ترین است بخاطر اینکه بزرگترین چالش قابل تصور در جامعه  
دینی زمان إمام سجاد (ع) بود. چون هم إختناق و هم إرتداد و هم

إنحراف بود. إختناق یعنی بنی امیه فشارهای فراوانی را بر جامعه آن روز وارد کردند که هیچکس جرأت نداشت اظهار شیعه بودن کند.

فاستخف المؤمنون و كانت الشيعة تطلق من اقطار الارض و تهدر دمائمهم. هر جا شیعه ای پیدا می شد به قتل می رسید! از آنطرف

إرتداد هم بود. إمام صادق (ع) میفرماید: إِرْتَدَّ النَّاسُ بَعْدَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَّا ثَلَاثَةً.. خیلی ها چون تحلیل درست نداشتند و به مقام شهید و شهادت پی نمی بردند با دیدن صحنه شهادت امام حسین و یارانش

در کربلا فکر میکردند این یک شکست هست و عقب نشینی شدیدی کردند و صحنه خالی شد! مشکل سوم إنحراف بود چون نسبت به

إمامت و رهبری إمام سجاد (ع) در جامعه تردیدهایی را ایجاد کردند

حتی کار بجایی رسید که مردم عموی امام سجاد یعنی محمد حنفیه را بعنوان امام در جامعه مطرح کردند. حضرت برای اینکه جامعه را قانع کند یک حرکت عمومی ایجاد کردند آمد کنار کعبه به عمویشان محمد حنفیه فرمود اول شما دو رکعت نماز بخوان به حجر الأسود بگو به امامت شما شهادت بدهد. البته ایشان چنین ادعایی نداشت مردم تصور میکردند او امام است. لذا دو رکعت نماز خواند واکنشی از حجر الأسود دیده نشد. بعد حضرت فرمود: من نماز میخوانم هنوز نمازش تمام نشده بود که حَجَر آنچنان تکانی خورد گویا داشت از کعبه جدا می شد و فریاد زد: أَشْهَدُ أَنَّكَ نُورُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَ حُجَّةُ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ. من برای اینکه توضیحی داشته باشم اجازه میخواهم به آیه

200 سوره مبارکه آل عمران که جامعترین و کاملترین معارف در

آن هست و در طایعه خطبه قرائت شد اشاره ای داشته باشم. موضوع

این آیه مدیریت ارتباط هست یعنی انسان یک موجود دیگر گرا و

ارتباطی است چون انسانها اگر با هم تعامل نداشته باشند نمی توانند

زندگی خوب و همزیستی مسالمت آمیزی داشته باشند. مهمترین

ارتباط در سه بُعد خلاصه میشود: یک: ارتباط با خدا و حجت

خداست. دو: ارتباط با توده های مردم. سه: تنظیم ارتباط با دشمن.

امام سجاد(ع) در این مُثَلَّثِ مُهِمِّ قابلِ ارزیابی در هر سه عرصه زیبا

درخشیدند. آن وجود مقدس در ارتباط با خدا سجاد است یعنی به یاد

هر نعمت خدا که می افتاد سجده میکرد. زین العابدین یعنی بهترین

عبادت کنندگان است. وجود مقدس پیغمبر اکرم (ص) فرمود: روز قیامت از جانب خدا ندا داده میشود اَیْنَ زین العابدین؟ زینت عبادت کنندگان بلند شود. خب، امیرالمؤمنین (ع) عبادت کننده است پیغمبر عبادت کننده است تمام انبیا و اولیای تاریخ عبادت کننده اند فَيَقُومُ عَلَى بن الحسین (ع) أما إمام سجاد بعنوان زینت عبادت کنندگان از جا بلند میشود. این ارتباط بخاطر علم و دانایی و عقلانیت یک رابطه حُبّی و عشقی است. هم مُحِبِّ خداست هم محبوب خداست. طاووس یمانی میگوید: آخر شب همه طواف کنندگان از مسجدالحرام و کنار کعبه رفته بودند فقط یک صدا از کنار درب کعبه بگوش میرسد: إلهی عُبِّدْكَ بِفِنَائِكَ، مَسْكِينُكَ بِفِنَائِكَ، فَقِيرُكَ بِفِنَائِكَ. خدایا همه رفتند ولی

من گدای در خانه ات هستم. اینقدر این کلمات را گفت که صدا قطع شد با خودم گفتم این بنده خدا هر کی بود از دنیا رفت. جلوتر که رفتم دیدم امام سجاد (ع) است سرش را بدامن گرفتم گریه کردم چشمانش را باز کرد مَنْ الَّذِي شَغَلَنِي عَنْ ذِكْرِ رَبِّي کیستی که مرا از معاشقه با پروردگارم باز داشتی؟! گفتم: من طاوس یمانی از دوستان شما هستم. چرا اینقدر گریه می کنید؟ شما نوه پیغمبرید آقای قریش هستید جای شما تو بهشت معلوم است. فرمود: طاوس یمانی! این انتصاب ها را رها کن إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ خَلَقَ الْجَنَّةَ لِمَنْ أَطَاعَهُ وَ لَوْ كَانَ عَبْدًا حَبَشِيًّا وَ خَلَقَ النَّارَ لِمَنْ عَصَاهُ وَ لَوْ كَانَ سَيِّدًا قُرَشِيًّا. خدا با کسی رابطه خویشاوندی ندارد! بهشت را برای اطاعت کنندگان آفرید و جهنم را

برای عصیانگران آفرید انسان فردای قیامت با عملش سنجیده میشود.

این رابطه عاشقانه امام سجاد با خداست. از آنطرف خدا هم با امام

سجاد (ع) رابطه عاشقانه دارد مرحوم محدث قمی نقل میکند: امام در

کاروان حجاج بصورت ناشناس خدمت میکرد. در یک سفری ذخیره

آب تمام شد تمام زُهاد عُبَّاد و کِبَارِ کاروان دعا کردند باران نیامد

داشتند نا امید می شدند گفتند این آقای که در کاروان بما خدمت میکند

خیلی نماز زیبایی می خواند آمدند گفتند: شما هم دعایی بفرمایید.

حضرت دست بدعا بلند کرد و جمله ای فرمود که از هیچ پیغمبر و

امامی نقل نشده است. فرمود: سَيِّدِي بِحَبِّكَ لِي إِلَّا سَقَيْتَهُمُ الْغَيْثَ خَدَايَا

به آن علاقه ای که تو بمن داری باران بفرست! این جماعت متحیر

شدند! مگر این آقا کیه که خدا را بعشق خودش قسم میدهد؟ هنوز دست امام سجاد از دعا بر نگشته بود که باران شروع کرد به باریدن. گفتند: آقا شما کیستید که مستجاب الدعوه اید؟ فرمود: من علی بن الحسین (ع) هستم. نه تنها محبوب خداست بلکه محبوب تمام کائنات هست. وقتی هشام بن عبدالملک برای طواف خانه خدا به مکه آمد جمعیت مردم دور کعبه طوری بود که به این حاکم راه ندادند بیاید حجرالاسود را استلام بکند منتظر شد تا صحنه طواف کمی خلوت بشود. همینجور که نشسته بود دید امام سجاد وارد مسجدالحرام شد رفت طرف کعبه مردم احترام کردند دست به سینه کنار رفتند راحت طواف کرد اطرافیان هشام به او گفتند این آقا از شما بالاتر بود مثل

اینکه تو دلها جا دارد. با اینکه می دانست این آقا کی هست گفت: این  
آقا را نمی شناسم! فرزدق شاعر از شعرش مثل یک شمشیر در دفاع  
از حق استفاده کرد گفت: چطور این آقا را نمی شناسی؟ کعبه و  
مسجد الحرام و منا و سعی و مروه همه او را می شناسند.

هَذَا الَّذِي تَعْرِفُ الْبَطْحَاءُ وَطَأْتُهُ / وَالْبَيْتُ يَعْرِفُهُ وَالْحِلُّ وَالْحَرَمُ

هَذَا ابْنُ خَيْرِ عِبَادِ اللَّهِ كُلِّهِمْ / هَذَا التَّقِيُّ النَقِيُّ الطَّاهِرُ الْعَلَمُ.

إِذَا رَأَتْهُ قُرَيْشٌ قَالَ قَائِلُهَا / إِلَى مَكَارِمِ هَذَا يَنْتَهِي الْكَرَمُ

هَذَا ابْنُ فَاطِمَةَ إِنْ كُنْتَ جَاهِلُهُ / بِجَدِّهِ أَنْبِيَاءُ اللَّهِ قَدْ خُتِمُوا.

وَلَيْسَ قَوْلُكَ مَنْ هَذَا بِضَائِرِهِ / الْعُرْبُ تَعْرِفُ مَنْ أَنْكَرْتَ وَالْعَجَمُ.

مَا قَالَ لَا قَطُّ إِلَّا فِي تَشْهَدِهِ / لَوْلَا التَّشَهُدُ كَانَتْ لَاءُهُ نَعَمْ.

این شخصیت بزرگ را در و دیوار می شناسند ولی تو حسادتت باعث انکار این آقا شد! اما ارتباطش با توده های مردم با توجه به چالشی که در آن زمان وجود داشت چند تصمیم کلیدی گرفتند و به آن عمل کردند. اولین تصمیم گیرنده و مُبدع تشکیل جلسات امام سجاد (ع) بودند هر جا به یاد اهل بیت جلسه تشکیل میشود باید قدر امام سجاد را بدانیم. جلسات انقلابی پرور بود و مردم را برای قیام و حرکت آماده میکرد. دومین کاری که حضرت سجاد (ع) انجام داد تعلیم معارف دینی بود. شاگردان زیادی مثل ابو حمزه ثمالی، ابو خالد کابلی، ابان بن تغلب و سعید بن مسیب را تربیت کرد. هم خودش

قرائت قرآن میکردند هم بمردم تعلیم قرآن میدادند. علامه مجلسی در بحار از امام سجاد (ع) نقل می کند که شیعه ما باید قرآن را یاد بگیرد. پیغمبر اکرم میفرماید: قرآن از دست مردمی که آن را به آتش می کشند شکایت می کند. در کنار قرآن دعا را که خود یک نوع عبادت است برای مردم رسم کرد. اصلیترین محوری که امام سجاد (ع) در دعای صحیفه سجادیه به آن پرداخت صلوات بر محمد و آل محمد است. یعنی ترسیم خط زندگی بشر تا روز قیامت بر محور پیامبر و آل پیامبر خواهد بود. از کارهای دیگر امام چهارم تصمیم بر تسکین دردها و مشکلات مردم در اجتماع بود که امروز هم می بینیم مردم در فقر و نداری در رنج و عذابند که امیدواریم مسئولین با

آندیشه درست و مدیریت صحیح این مشکل را رفع کنند. اولین کسی که کمیتۀ امداد را تشکیل داد امام سجاد بود. از کارهای دیگر امام سجاد (ع) دشمن شناسی بود فَمَنْ يَكْفُر بِالطَّاغُوتِ وَ يُؤْمِنُ بِاللّهِ فَقَدْ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى.. اول به طاغوت کافر شو بعد مؤمن بخدا باش. حضرت میفرماید: دشمنانتان را بشناسید و فریب شعار آنها را نخورید. یک کار دیگر امام سجاد (ع) احیای نهضت عاشورا بصورت روایتگری بود. بمحض اینکه فرزندان ابا الفضل العباس (ع) را می دید از شهادت و ایشارگری حضرت عباس میگفت. بهترین منبع مؤثّق برای جزئیات حوادث کربلا امام سجاد (ع) است. از کارهای دیگر ایشان سجده بر تربت امام حسین (ع) در بهترین

حالات نماز یعنی سجده بود یعنی میخواست بفرماید: ای مردم حسین از نماز جدا نیست. أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ وَآتَيْتَ الزَّكَاةَ وَ أَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ از دیگر کارهای امام زین العابدین (ع) ترویج زیارت امام حسین (ع) بود. روزی که امام سجاد فرمود به زیارت پدرم امام حسین (ع) بروید به تعداد انگشتان یک دست هم شاید امام حسین زائر نداشت اما امروز حضور اینهمه زائر در ماه محرم و صفر مخصوصاً روز اربعین از زحمات امام سجاد (ع) است. کار دیگری که حضرت کرد گریه بر وجود مقدس سیدالشهداء (ع) بود. فرمود: هر چشمی که برای پدرم حسین (ع) اشک بریزد خدا جایگاه ویژه ای در بهشت به او خواهد داد. مهمترین بُعد احیای

اثراتِ عاشورا را امام سجاد (ع) در شام رَقَم زد. خطبه بزرگ آن حضرت در شام به تمام یاوه گوئیهای یزید خط بطلان کشید و مردم را به آشک و مصیبتِ امام حسین (ع) کشاند.

### خطبه دوم:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ. الحمد لله رب العالمين و العاقبة لاهل التقوى و  
اليقين والصلوة والسلام على أشرف الأنبياء والمرسلين حبيب إله  
العالمين أبى القاسم محمد، صلى الله عليه و آله و سلم وعلى آله  
الأطيبين الأطهرين المنتجبين. اَللّهُمَّ وَ صَلِّ عَلَى عَلِيٍّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ  
وَصِيِّ رَسُولِ رَبِّ الْعَالَمِينَ آيَتِكَ الْكُبْرَى وَالنَّبَأِ الْعَظِيمِ وَ صَلِّ عَلَى  
الصِّدِّيقِ الطَّاهِرِ فَاطِمَةَ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ وَ صَلِّ عَلَى سِبْطِي

الرَّحْمَهُ وَ إِمَامِي الْهُدَى الْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ سَيِّدَيَّ بَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ وَ صَلِّ  
عَلَى أَيْمَةِ الْمُسْلِمِينَ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ وَ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ وَ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ  
وَ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ وَ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى وَ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ وَ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ  
وَالْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ وَ الْخَلْفِ الْهَادِي الْمَهْدِيِّ حُجَّجِكَ عَلَى عِبَادِكَ وَ  
أَمْنَائِكَ فِي بِلَادِكَ.

دعای فرج..

اللَّهُمَّ افْتَحْ لَهُ فَتْحاً يَسِيراً وَ انصُرْهُ نَصْراً عَزِيزاً. اللَّهُمَّ أَظْهِرْ بِهِ دِينَكَ وَ  
سُنَّةَ رَسُولِكَ حَتَّى لَا يَسْتَخْفِيَ بِشَيْءٍ مِنْ الْحَقِّ مَخَافَةً أَحَدٍ مِنَ الْخَلْقِ..

اوصيكم يا عباد الله و نفسي بتقوي الله و اخوفكم من عقابه.

با درود و سلام بی پایان به روح مطهر سالار شهیدان حضرت  
أبا عبدالله الحسین (ع) و نیز معمار کبیر انقلاب اسلامی ایران و دو  
فرزند گرانقدرش ، جمیع مؤمنین و مؤمنات ، علما ، صلحا ، شهدای  
انقلاب، شهیدان 8 سال دفاع مقدس، شهدای گمنام ، شهدای مدافع  
حرم و وطن و سلامت و علی الخصوص بیش از 357 شهید خونین  
بال بخش لاریجان و با آرزوی طول عمر با عزت همراه با صحت و  
سلامتی برای مقام معظم رهبری در این خطبه دوم خودم و همه شما  
عزیزان را توصیه میکنم به تقوای إلهی و دوری از محرمات.  
نکات این هفته نماز جمعه 20 مرداد ماه سال 1402 را بمحضر شما  
نمازگزاران عزیز جمعه لاریجان عرضه میدارم.

نکته اول:

مجدداً شهادت حضرت زین العابدین (ع) و آیامِ اسارت آنحضرت به  
شام را محضر همه شما شیعیان و نمازگزاران جمعه لاریجان تسلیت  
و تعزیت عرض می نمایم. در زندگی امام چهارم، چند رشته کار  
وجود دارد که یکی از آنها همین رشته تربیت و تهذیب اخلاق جامعه  
اسلامی است. چون طبق تحلیل آن امام بزرگوار، بخش مهمی از  
مشکلات اساسی دنیای اسلام که به فاجعه کربلا انجامید ناشی از  
انحطاط و فساد اخلاق مردم بود. این را امام سجّاد علیه الصّلاة  
والسّلام، در چهره جامعه اسلامی تفحص کرد و کمر بست به این که

این چهره را از این زشتی پاک کند و أخلاق را نیکو گرداند. لذا دعای  
« مکارم الأخلاق » و صحیفه سجّادیه دعاست أمّا درس است.

نکته دوم:

با توجه به نام نویسی نامزدهای انتخابات مجلس شورای اسلامی باید  
عرض کنم: مسئولیت انسان نسبت به سرنوشت خود و جامعه از  
ارزشهای مُسَلَّم دین مبین اسلام است و به همین خاطر افرادی که  
توانمند و دلسوز جامعه باشد باید انتخاب شوند. از همه کسانی که  
توانمند و دلسوز در این امر خدا پسندانه و دارای مدرک مورد نیاز  
هستند نامزد مجلس شورای اسلامی شوند. اکنون با عنایت پروردگار  
و همت ملت عظیم الشان سرنوشت کشور به دست مردم ایران

اسلامی است و انتخاب آنها در عرصه های مختلف سرنوشت ساز است.

نکته سوم:

23 مرداد بمناسبت سالروز پایان جنگ 33 روزه و اعلام پیروزی حزب الله بنام روز مقاومت اسلامی نامگذاری شد. اسرائیل بعد از این جنگ به یک بازیگر شکست خورده منفعل افتاده در روند فرسایش تبدیل شد و در مقابل حزب الله پس از جنگ مورد تحسین ملتها قرار گرفت و ملت ۴ میلیونی لبنان در سایه اعتبار و عزتی که حزب الله برای آنها خلق کرده بود میتوانند خود را در کانون

توجهات ۳۰۰ میلیون عرب و حدود ۵ میلیارد مسلمان ببینند و رهبر

آن در صدر شخصیت‌های اول خاورمیانه عربی بنشیند.

نکته چهارم:

26 مرداد آغاز بازگشت آزادگان به میهن اسلامی در سال 1369

حاوی سه مسأله مهم برای همه ما هست. اول: سرمایه معنوی

خاطرات آزادگان. آنچه در خلال بیانات و نوشته‌ها در مورد دوران

اسارت گفته شده یک بخش کوچکی است از یک داستان بلند و ما

همچنان احتیاج داریم که این داستان بلند را بشنویم. دوم: فهم سنت‌های

إلهی؛ برای اینکه دلهایمان قرص شود و راه را گم نکنیم زندگی

آزادگان میتواند برای ما یک ستاره راهنما باشد. سوم: ثواب و جزای  
إلهی. بدانیم لحظه لحظه عمر آزادگان در دیوان إلهی محفوظ است.

نکته پایانی:

انتخاب رئیس محترم جدید شورای بخش لاریجان و اعضای محترم  
هیأت رئیسه را خدمت همه اعضا تبریک عرض می کنم. اعضای  
شورای بخش، نماینده و برگزیده شده از میان مردم هستند. لذا باید  
خود را از مردم بدانند و در خدمت به آنان از هیچ تلاشی دریغ  
نورزند و خستگی به خود راه ندهند. اعضای شورای بخش باید نسبت  
به اقدامات کلان و تأثیر گذار خود در سطح بخش به مردم پاسخ دهند  
و عملکرد آنها نیز همراه با توجیه مردم به ویژه قشر نخبگانی باشد.

در مقابل نیز مردم باید اعضای شورای بخش را از خودشان بدانند و تا زمانی که در مسیر صحیح قدم بر می دارند از آنان حمایت کنند مطالبه های صحیح و منطقی و متناسب با نیازهای بخش از اعضای شورای بخش داشته باشند نه اینکه مطالبه ها منطقه ای، طائفه ای و فردی باشد. در ضمن توصیه برادرانه دارم که فصل الخطاب همه شما و ما قانون خواهد بود و پیروی از آن عامل موفقیت است و همه باید نسبت به قانون تمکین نمائیم و از تفرقه پرهیزیم و تقوای الهی را پیشه نماییم.